جلسه 155- 1397

**دوشنبه - 27/10/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در این بود که اگر استصحاب زمان نتواند اثبات کند وقوع فعل را در زمان، مثلا استصحاب نهار نتواند ثابت کند وقوع صلاة را که در این زمان مشکوک می خوانیم، نتواند ثابت کند وقوع این نماز را در نهار، چه باید بکنیم؟

بحوث: جريان استصحاب نهار برای تنجیز وجوب نماز وصوم

در بحوث گفتند ما استصحاب می کنیم نهار را، اثبات می کنیم بقاء وجوب را، و وجوب صلاة فی النهار در این زمان مشکوک ثابت می شود. درست است که شک در قدرت داریم اما قاعده اشتغال در موارد شک در قدرت جاری است و منجز می کند این وجوب را که با استصحاب اثبات شده است. این یک مثال.

مثال دوم شک در بقاء نهار است در ماه رمضان. ما نمی دانیم هنوز روز ماه رمضان باقی است تا امساک بر ما واجب باشد در این زمان مشکوک، یا روز تمام شده است و دیگر امساک واجب نیست. استصحاب بقاء نهار جاری می شود برای اثبات بقاء وجوب امساک فی النهار، ولو ثابت نکند که امساک در این زمان مشکوک امساک فی النهار است، اما همین استصحاب بقاء نهار که اثبات وجوب می کند منجز است و باید ولو از باب احتیاط مکلف امساک کند در این زمان مشکوک.

نماز صرف الوجودش واجب است ولی در روزه امساک جمیع آنات واجب است

فرق این دو مثال در این است که در مورد صلاة فی النهار، صرف الوجود نماز در نهار واجب است، در صوم فی النهار امساک در جمیع آنات نهار واجب است به نحو مطلق الوجود، ما در صوم باید در جمیع آنات نهار امساک کنیم، ولی در نماز وقت موسع است، صرف الوجود نماز در نهار کافی است. فرق این دو مثال در این هست.

نیاز به استصحاب (عدم کفایت قاعده اشتغال) در صورت تردید در مدت روز در این شهر

در بحوث راجع به این مثال دوم گفته اند: که یک وقت ما مقدار روز را می دانستیم که روز 16 ساعت است، شک می کنیم که این 16 ساعت تمام شده یا نه؟ اینجا ما اصلا نیاز به استصحاب نداشتیم، همان قاعده اشتغال که می گوید ما می دانیم مکلف بودیم به امساک در 16 ساعت در امروز، چون می دانیم نهار 16 ساعته است، نمی دانیم که امتثال کرده ایم این تکلیف به امتثال 16 ساعته را یا نه. اگر در این وقت مشکوک ما امساک نکنیم شک در امتثال این تکلیف معلوم خواهیم داشت، پس نیاز به استصحاب نداریم قاعده اشتغال جاری می شود.

اما اگر ندانیم که روز در این شهر 16 ساعته است یا 17 ساعته، در آن ساعت مشکوک ما نیاز داریم به استصحاب، باید استصحاب کنیم بقاء نهار را یا بقاء وجوب را تا منجز بشود بر ما امساک در آن ساعت اخیر.

اشکال: جریان برائت از وجوب

در این فرض و همینطور در آن مثال صلاة فی النهار ممکن است کسی بگوید که آقا ما اصل برائت جاری می کنیم از وجوب نماز در این زمان مشکوک یا امساک در این زمان مشکوک، حالا اصل برائت را ما تطبیق بکنیم در این مثال امساک:

مستشکل می گوید آقا شما استصحاب کردید بقاء وجوب را، متعلق وجوب چیست؟ الصوم فی النهار، ثابت که نکردید که امساک در این ساعت اخیر امساک فی النهار است، این اصل مثبت بود. بلکه وجوب امساک فی النهار را به طور کلی برای ما استصحاب کردید و گفتید هنوز باقی است، ساعت بعد از 16 ساعت یعنی ساعت هفدهم مشکوک است شاید شب شده است، ما در یک اتاق بسته ای هستیم شاید شب شده است ما نمی فهمیم، استصحاب بقاء وجوب امساک فی النهار نمی گوید امساک در این ساعت هفدهم امساک فی النهار است، ولذا ما شک داریم که آیا این امساک ما واجب است؟ اگر امساک فی النهار باشد واجب است، ولی امساک فی النهار بودنش که ثابت نشد، شک داریم در وجوب این امساک در این ساعت هفدهم، امساک در ساعت هفدهم مشکوک الوجوب است، شما استصحاب کردید بقاء وجوب امساک فی النهار را، اما ثابت نکردید که امساک در ساعت هفدهم امساک فی النهار است، اصل مثبت بود طبق اعتراف بحوث و منتقی الاصول، ولذا گفته می شود مجال برای اصل برائت از وجوب امساک در این ساعت هفدهم باقی می ماند.

اصل برائت که جاری شد آن قاعده اشتغالی که با استصحاب بقاء وجوب آمد حکم عقل بود از باب احتیاط در موارد شک در قدرت. این اصل برائت ورود دارد بر حکم عقل، چون ترخیص از طرف شارع است، حکم عقل از باب حق الطاعة است، حقٌ للمولا، حال خود مولا ترخیص داده در ترک احتیاط، لذا ورود پیدا می کند بر حکم عقل.

گفته می شود که در مثال صلاة هم همین است، درست است که صلاة به نحو صرف الوجود است، حالا در آنجایی که مکلف از اول می داند که نماز بر او واجب است، نمی داند که نهار ممتد است یا ممتد نیست، نهار چند ساعت است، خوب نیاز به استصحاب نبود، قاعده اشتغال تنجیز می کرد که باید نماز بخوانی، اگر قبلا نماز نخواندی در این زمان مشکوک النهاریة نماز بخوانی، ولی آن فرضی که شخص از خواب بیدار شد شک دارد که هنوز روز باقی است یا باقی نیست، با استصحاب بقاء نهار می خواهد منجز کند وجوب را، خوب وجوب صلاة فی النهار متعلقش صلاة فی النهار است، معلوم نیست که نماز در این زمان مشکوک صلاة فی النهار باشد. مستشکل می گوید خوب مجال اجراء اصل برائت از وجوب صلاة در این زمان مشکوک وجود دارد، اصل برائت جاری می کنیم نماز در این زمان مشکوک واجب نیست، و این اصل برائت مقدم است بر قاعده اشتغال که حکم عقل اقتضائی است، با وجود ترخیص شرعی دیگر عقل سخنی ندارد.

بحوث: صرف الوجود نماز متعلق تکلیف است نه این نماز، پس این نماز مجرای برائت نیست

در بحوث جواب داده اند، گفته اند که اما اصل برائت در این نماز که اصلا جای توهمش نیست، چرا؟ برای اینکه اصلا فی علم الله الان نهار است، از اینکه بالاتر نیست، فی علم الله این زمان مشکوک نهار باشد، باز صلاة فی هذا الزمان واجب نمی شود، ولو نماز نخوانده است این مکلف، ولی هنوز هم بر او واجب است صلاة بین الزوال و الغروب، نه صلاة فی هذا الان، درست است تعین عقلی دارد کسی که تا حالا نماز نخوانده آخر وقت عقلا متعین است که در آن زمان آخر نماز بخواند، اما شارع نمی گوید صل فی الزمان الاخیر، بلکه شارع می گوید صل ما بین زوال الشمس الی غروبها، پس اگر روز هم باقی باشد متعلق وجوب صلاة فی هذا الزمان المشکوک نیست، ما احتمال نمی دهیم همچنین وجوبی داشته باشیم تا بخواهیم اصل برائت از او جاری کنیم، وجوب رفته روی صلاة بین زوال الشمس الی غروبها، یعنی صلاة فی النهار، خوب استصحاب هم که اثبات کرد بقاء این وجوب را، معنا ندارد برائت از وجوب نماز در این زمان اخیر، چون نماز در زمان اخیر وجوب شرعی ندارد، نماز در آخرین زمان قبل از غروب آفتاب وجوب شرعی ندارد، بله وجوب عقلی دارد از باب اینکه آخرین زمان امتثال تکلیف است، اما وجوب شرعی ندارد تا بخواهیم شک بکنیم در آن و اصل برائت جاری بکنیم.

بله در آن مثال صوم چون وجوب امساک رفته روی جمیع آنات نهار، اگر فی علم الله الان روز است، یک وجوب امساک هم رفته روی این آن به نحو وجوب ضمنی، بله آنجا مجال برای این هست که بگوئید آقا ما اصل برائت جاری می کنیم از وجوب امساک در این آن مشکوک.

بحوث: مورد حدیث رفع مالایعلمون، شک در حدوث تکلیف است نه بقاء

اما در بحوث گفته اند ما که خیالمان راحت است، ما بارها گفته ایم که رفع ما لایعلمون ظاهر است در موارد شک در حدوث تکلیف، اما شک در حدوث تکلیف اگر نداشتیم، ما شک بکنیم در تکلیف به لحاظ شک در امتثال، به لحاظ شک در قدرت بر امتثال، یا به لحاظ شک در انطباق عنوان واجب بر فعل خودمان، که نمی دانیم این امساک ما امساک فی النهار هست یا نیست. ولی این را می دانیم که کلی امساک فی النهار واجب است و شکی در اصل تکلیف به امساک فی النهار نداریم، فقط شک داریم در انطباق عنوان امساک فی النهار بر این زمان مشکوک. پس اینجا مجالی برای برائت نیست و قصور دارد دلیل برائت از شمول نسبت به این موارد.

پس اشکال به این اصل برائت در مورد برائتِ از وجوب صلاة فی هذا الزمان المشکوک، اشکال اساسی بود، اشکال این بود که اصلا محتمل نیست وجوب صلاة تعلق بگیرد به این زمان خاص، متعلق وجوب صلاة فی طبیعی النهار است، ما هم که نسبت به او استصحاب بقاء وجوب داریم و باید امتثال کنیم.

نسبت به صوم فی النهار بله این اشکال اساسی نیست، ولی یک اشکال دیگری هست که این اشکال چه در این مثال چه در مثال صلاة مطرح است که اساسا اصل برائت به نظر بحوث شامل این موارد شک در تکلیف فعلی بخاطر شک در امتثال یا شک در قدرت بر امتثال یا شک در انطباق عنوان واجب بر این فعل، در این موارد اصل برائت انصراف دارد.

مرحوم آقای تبریزی: اطلاق برائت نسبت به شک در فراغ

خلافا لشیخنا الاستاذ قدس سره که معتقد بود که اصل برائت اطلاق دارد و همه این موارد را می گیرد. و لذا بحث گاهی این بود که شخصی نماز خواند با حال توارد حالتین در طهارت و حدث، توارد حالتین بود، قاعده اشتغال می گوید خوب احتیاطا برو وضوء بگیر بیا نماز بخوان، این هم گفت بگذار رجائا یک نمازی بخوانم، نماز جماعت تشکیل شده گفت من قبول دارم توارد حالتین است چون یک زمانی محدث بودم و یک زمانی متطهر، متقدم و متأخر را نمی دانیم تعارض می کند استصحاب وضوء با استصحاب حدث، اما رجائا که مانعی ندارد نماز بخوانم الان، رجائا نماز می خواند، بعد از نماز می گوید آقا ببخشید، پیغمبر شما نفرمود رفع عن امتی ما لایعلمون، من شک دارم در بقاء تکلیف به نماز.

مرحوم استاد می فرمودند این آقا حرف بدی نمی زند، شک داری در بقاء تکلیف به نماز رفع ما لایعلمون.

نفرمائید اینجا استصحاب بقاء وجوب نماز جاری است؟

مرحوم استاد می فرمودند ما استصحاب حکم جزئی را قبول نداریم. استصحاب موضوعی اگر دارید بیاورید، اما استصحاب موضوعی هم که ندارید، چون توارد حالتین است.

لذا نوبت می رسد به اصل برائت از بقاء تکلیف، و این اصل برائت بر قاعده اشتغال ورود دارد، چون قاعده اشتغال حکم عقلی اقتضائی است، زور که نمی گوید عقل، عقل که نمی گوید شارع حق ندارد ترخیص بدهد در ترک احراز امتثال. خوب توی عقل حق للمولا را اثبات می کنی یا داری تحکم بر مولا می کنی؟ می گوید اختیار دارید ما که هستیم که تحکم بر مولا کنیم، ما می گوئیم مولا حق دارد. می گویند خوب مولا از حقش گذشت، پیغمبر گفت رفع ما لایعلمون، و ماینطق عن الهوی پیغمبر از طرف خدا مأمور به ابلاغ است که تکلیف در اینجا رفع شده است ظاهرا.

در بحوث می خواهند بگویند ما اینها را قبول نداریم، انصراف دارد دلیل برائت از اینگونه موارد و مختص است به حالت شک در اصل تکلیف. عرف می گوید اینجا شما تکلیف را می دانی شک داری در امتثال، مثلا شک در انطباق عنوان واجب داری بر این فعل خودت، والا تکلیف که معلوم است، از کجا معلوم است؟ خوب استصحاب کردیم، استصحاب گفت باقی است وجوب صوم فی النهار، تعبدا می دانی یعنی حجت داری.

سؤال و جواب: فرض این است که اصل موضوعی داریم استصحاب بقاء نهار داریم، اصل موضوعی استصحاب بقاء نهار را که کسی منکر نیست برای اثبات استصحابی وجوب. .. نخیر در این مثالها می گوئیم. در مثال توارد حالتین در صلاة همینجور هم هست به نظر ما حق با بحوث است عرف می گوید آقا ما می دانیم نماز بر ما واجب است نمی دانیم نماز با وضوء خواندیم یا نخواندیم، این را مصداق تکلیف مشکوک نمی بیند عرف، این مطلب حرف بعیدی نیست.

اقول: به هرحال ما عرضی داریم در اینجا: راجع به آن مثال صلاة فی النهار مطلب درستی است و اشکال ایشان وارد است، ما قبول داریم که برائت از وجوب صلاة در این زمان مشکوک یعنی برائت از صلاة مقید به این زمان مشکوک جاری نمی شود، چون صلاة قطعا مقید به این صلاة مشکوک نیست، اما اینکه بگوئیم وجوب در این زمان مشکوک، یعنی زمان مشکوک ظرف وجوب باشد، وجوب در این زمان مشکوک را اصل برائت جاری کنیم، اینکه خلاف استصحاب است، استصحاب می گوید وجوب قبلا بود در این زمان مشکوک هم هست.

استاد: عدم جریان برائت از تعلق وجوب به فرد،‌ با وجود استصحاب مثبت تکلیف

ما این را قبول داریم، ولی علاوه بر این مطلب ما اشکال دیگری به نظرمان می آید، وآن اشکال این است که می گوئیم: اصلا برائت از وجوب صلاة در این زمان مشکوک که شما جاری می کنید برفرض ما بگوئیم دلیل برائت اطلاق دارد، ما این را بپذیریم که دلیل برائت اطلاق دارد، ولکن مشکل این است که ما وجوبمان که ربطی به اینکه الان صلاتمان فی النهار باشد ندارد که، ما استصحاب بقاء نهار را که جاری کردیم، استصحاب بقاء نهار جاری شد، فقط نتوانستیم اثبات کنیم که صلاة ما در این زمان مشکوک صلاة فی النهار است. ما مشکلمان عدم احراز امتثال است، اصل برائت جاری کردن یعنی چه؟ اصل برائت از چی می خواهیم جاری کنیم؟

این اشکال غیر از اشکال بحوث است، ما عرضمان این است که در این مثال صلاة شما فقط می گوئید نمی توانیم با استصحاب نهار ثابت کنیم که هذه الصلاة واقعة فی النهار. مشکل این بود دیگر، اینکه نتوانیم اثبات کنیم که هذه الصلاة واقعة فی النهار، اینکه دلیل نمی شود که ما اصل برائت جاری کنیم. اصل برائت مربوط می شود به شک در تکلیف، خوب استصحاب بقاء نهار ثابت کرد که در این زمان مشکوک تکلیف هست، برفرض تکلیف تعلق بگیرد به صلاة در این زمان مشکوک اگر فی علم الله نهار باشد، خوب استصحاب بقاء نهار تکلیف در این زمان را هم ثابت می کند.

سؤال و جواب: بالاخره اگر فی علم الله الان نهار باشد تکلیف ثابت است یا نه؟ استصحاب بقاء نهار می گوید تکلیف هست. ... دقت بفرمائید، تکلیف از آثار وجود نهار است، مکلف به هر چه باشد، مکلف به صلاة فی طبیعی النهار باشد یا صلاة فی هذا الآن المعین باشد، مهم نیست، مهم این است که وجوب از آثار بقاء النهار است، خوب استصحاب بقاء النهار وجوب را اثبات کرد. ... بله وجوب مقید را اثبات کرد، منتهی من با این استصحاب نمی توانم احراز کنم که نماز من امتثال صلاة فی النهار باشد، وجوب که از آثار امتثال نیست، امتثال فرع بر وجوب است، وجوب از آثار وجود موضوع است، استصحاب بقاء نهار به عنوان اصل موضوعی گفت الان وجوب هست، چرا بحث می کنیم که متعلق وجوب چیست، که متعلق وجوب صلاة فی طبیعی النهار است و کسی که نماز نخواند تا آخر وقت متعلق وجوبش همان صلاة فی طبیعی النهار است که در بحوث گفته اند.

نه آقا! اصلا فرض کنید که کسی که نماز نخواند تا ضیق وقت، متعلق وجوبش بشود صلاة فی آخر الوقت، بالاتر از اینکه نیست، من نتوانستم اثبات کنم که این نمازم نماز فی النهار است، اما استصحاب بقاء نهار این وجوب را ثابت کرد، متعلق وجوب هر چه باشد مهم نیست، مهم این است که من نمی توانم احراز کنم انطباق عنوان صلاة فی النهار را بر این عمل خودم. خوب شک در تحقق امتثال می کنم. مگر تحقق امتثال موضوع وجوب است تا ما بخواهیم بگوئیم شک در تحقق امتثال داریم پس شک در وجوب داریم.

پس این مطلب نادرستی است از اساس. این راجع به صلاة فی النهار.

سؤال وجواب: بحوث می گوید استصحاب نهار اثبات می کند وجوب صلاة فی طبیعی النهار را، و صلاة فی هذا الآن که محتمل الوجوب نیست. من می گویم برفرض محتمل الوجوب باشد، اما بالاخره اصل موضوعی که اثبات می کند وجوب را چیست؟ بقاء النهار است، اصل موضوعی جاری کردیم، هر چه باشد متعلق وجوب. من فقط احراز امتثال نمی کنم، خوب احراز امتثال نمی کنم، امتثال که موضوع وجوب نیست. و اتفاقا این تکلیف واقعی اگر باشد و این استصحاب اگر مطابق با واقع باشد، علی هذا التقدیر احراز امتثال هم می کنم، چون اگر واقعا نهار باقی باشد قطعا صلاة من صلاة فی النهار است.

جریان استصحاب بقاء صوم فی النهار برای اثبات واجب

اما راجع به صوم فی النهار:

جناب آقای صدر، خوب آنجا که ما راجع به خود مقید می توانیم استصحاب جاری کنیم، راجع به صلاة خوب بله، یک زمانی من نماز نخوانده بودم الان می خواهم نماز بخوانم که مشکوک النهار است، اما در صوم از اذان صبح من امساک کردم، یقینا صوم فی النهار محقق شد، استصحاب می توانم بکنم بقاء صوم فی النهار را.

صاحب کفایه: استصحاب صوم فی النهار برای اثبات وجوب

البته من فرمایش صاحب کفایه را نمی گویم. صاحب کفایه متأسفانه گفته استصحاب می کنیم در صوم فی النهار که هذا الصوم کان فی النهار و الان کما کان فیجب، بعد هم گفته فتأمل.

استاد: وجوب اثر امتثال نیست

این فتأملش درست است، ولی این فیجب واقعا اشتباه است. آقا! مگر وجوب از آثار مترتبه بر امتثال است که بگوئید هذا الصوم کان فی النهار و الان کما کان فیجب، وجوب از آثار بقاء نهار است، ولذا من نمی خواهم استصحاب کنم هذا الصوم کان فی النهار و الان کما کان تا وجوب را اثبات کنم. نه، وجوب با استصحاب بقاء نهار اثبات شد، استصحاب بقاء نهار در این زمان مشکوک ثابت کرد وجوب را.

من می خواهم انطباق عنوان صوم فی النهار را بر این عمل خودم اثبات کنم، که او را هم با خود استصحاب کون هذا الصوم فی النهار و الان کما کان اثبات می کنم.پس اینکه یک کسی بگوید آقا اینکه اینجا ما اصل برائت می خواهیم جاری کنیم وجهی ندارد، و نیازی به این جوابهای بحوث نیست، شما مشکلتان این بود که می گفتید استصحاب نهار ثابت نمی کند صوم فی النهار را ولذا دنبال این مطالب بودید، ما در صوم فی النهار که در خود صوم فی النهار حالت سابقه داریم. و لذا اینکه یک کسی بگوید آقا شما استصحاب می کنید هذا الصوم کان فی النهار و الان کما کان، خوب من امساک نمی کنم، من در این حال مشکوک روزه ام را می خورم، وقتی روزه ام را خوردم که دیگر صومی ندارم الان. اگر الان روزه ام ادامه پیدا کند می گوئید هذا الصوم کان فی النهار و الان کما کان، ولی دست خودم است من در این آن امساک نمی کنم.

نه این اشکالها وارد نیست، ما برای اثبات وجوب به استصحاب بقاء نهار اعتماد داشتیم، استصحاب بقاء نهار جاری کردیم برای اثبات بقاء وجوب، ما الان مشکلمان احراز امتثال است، احراز انطباق عنوان صوم فی النهار است بر این امساک در این آن مشکوک، که خود صوم فی النهار حالت سابقه دارد.

دلیل وجوب قضاء تلازم بین وجوب ظاهری اداء ووجوب ظاهری قضاء است

و اگر کسی امساک نکند در این حال مشکوک و افطار بکند باید قضاء کند.

و اینکه کسی شبهه بکند بگوید چرا قضاء کند؟ حالا شما با استصحاب بقاء واجب یا استصحاب بقاء نهار ثابت کردید الان واجب است امساک، از آن طرف هم استصحاب کردید که هذا الصوم کان فی النهار و الان کما کان، خیلی خوب مشکل نیست این وظیفه اش همین است که الان روزه بگیرد، با این استصحاب کون هذا الصوم فی النهار دیگر شک در قدرت را از بین بردیم، دیگر شک در قدرت نداریم، چون استصحاب می گوید که امساکِ الان فی النهار است دیگر، پس قدرت دارم بر امساک فی النهار همین الان. حرفی نیست، اما اینها برای اثبات موضوع وجوب قضاء که عنوان فوت الفریضه است اصل مثبت است، عنوان فوت اثبات نمی شود، ولذا اگر کسی تجری کرد و الان افطار کرد نسبت به وجوب قضاء اصل برائت جاری می کند.

اقول: این یک اشکال فنی است ولی بالاخره این را باید جواب داد، چرا؟ برای اینکه می دانید اگر جواب ندهید نتیجه اش چیست؟ نتیجه اش این است که در نماز هم وسط وقت شک دارید نماز خوانده اید یا نه، استصحاب و قاعده اشتغال می گوید شما نماز نخوانده اید، ولذا باید نماز بخوانید. اما نخواندی نخواندی گفتی انشاء الله نماز خوانده ام اول وقت، تجری می کنی یا فی علم الله عصیان می کنی. اما اذان مغرب را که گفتند یک فقیه بیاید بگوید پسرم بد کردی احتیاط نکردی، ولی بعد از این شک در فوت داری برائت از وجوب قضاء جاری کن. هیچ فقهی به این ملتزم نشده است. حالا چرا؟ در این مانده اند که چرا؟

آیا بخاطر این است که استصحاب عدم اتیان اثبات می کند فوت را؟ کما اینکه بعضی ها گفته اند.

آیا خود عدم الاتیان موضوع وجوب قضاء است؟ که بعضی ها گفته اند.

بعضی ها مثل آقای خوئی که قبول ندارند این حرفها را و می گویند نخیر استصحاب عدم اتیان موضوع وجوب قضاء نیست و عنوان فوت را هم اثبات نمی کند. اینها گفته اند فوت فریضه اینجا صادق است، فوت فریضه اعم است از فریضه واقعیه و ظاهریه، در اینجا فریضه ظاهریه قطعا فوت شده است، چون من در داخل وقت فریضه ظاهریه داشتم که نماز بخوانم، چون استصحاب می گفت نماز نخوانده ای فصلّ، فریضه ظاهریه بالوجدان بود و این فوت شد بالوجدان، من فاتته فریضة فلیقضها.

خوب همین بیان در صوم هم می آید دیگر، اگر کسی در این آن مشکوک روزه اش را بخورد، فریضه ظاهریه فوت شده وجدانا، فریضه ظاهریه این بود که الان هم امساک کنی.

ولی ما این را قبول نکردیم، ما به نظرمان ملازمه عرفیه است، یعنی جلاء واسطه است، عرف متشرعی تفکیک بین وجوب ظاهری اداء را با وجوب ظاهری قضاء بر نمی تابد، به عرف متشرعی بگوئی در داخل وقت تو که شک داری در خواندن نمازت باید نماز بخوانی طبق استصحاب، الان هم شک داری در بقاء نهار، باید امساک کنی طبق استصحاب، اما اگر این کار را نکردی بعد از خروج وقت لازم نیست شما قضاء کنی، این خلاف مرتکز متشرعی است، تلازم بین دو حکم ظاهری است. و لذا دلیل حکم ظاهری وجوب اداء لازم عرفی اش وجوب ظاهری قضاء هم هست، جلاء واسطه است، لازم عرفی خود حکم ظاهری است که دلیل این حکم ظاهری اماره است، استصحاب دلیلش صحیحه زراره است که اماره است وقتی حکم ظاهری وجوب اداء را اثبات کرد حکم ظاهری وجوب قضاء هم لازم عرفی آن است، و لذا ما مشکلی نداریم قضاء هم واجب می شود.

هذا تمام الکلام فی استصحاب الزمان و اثبات کون الفعل کالصوم و الذبح و الصلاة و الرمی واقعا فی الزمان واقعا فی النهار، که به نظر ما هیچ مشکلی نداشت. ولذا بحث واضح است.

منتقل بشویم به بحث استصحاب در امور تدریجیه مثل استصحاب تکلم، استصحاب مشی، استصحاب جریان ماء، استصحاب سیلان دم و غیر ذلک که دو اشکال مهم دارد، تأملوا فی ذلک الی غد ان شاء الله تعالی.